

گفتگوی صبا با کارگردان برنامه مستند تلویزیونی «روایت شیدایی»

حکایتی متفاوت از آنچه هست و نمی بینیم

سیمیا پویا: کارگردان و تهیه‌کننده برنامه تلویزیونی مستند «روایت شیدایی» - که از فردا روی آنتن شبکه یک سیما می‌رود - از زاویه‌ای خاص لنز دوربین خود را رو به افرادی ادعا و موفق جامعه گرفته و زندگی آن‌ها را روایت می‌کند.

انسان‌هایی که رضای حق را رضای خویش می‌دانند و در لحظات سخت، تصمیمات بزرگی می‌گیرند. همین چیزها سبب شده تا این افراد نسبت به دیگران متفاوت باشند. محمدنهبان کارگردان این برنامه تلویزیونی به صبا می‌گوید: افرادی که در «روایت شیدایی» به سراغ آن‌ها رفتیم، از جنس انسان‌های ارجمندی هستند ولی همه از کنار آن‌ها به شکل عادی عبور می‌کنند. او با اشاره به ویژگی‌های این برنامه می‌گوید: این برنامه روایت‌کننده زندگی افرادی است

که سبک زندگی، رفتار و ابعاد مختلف شخصیتی آن‌ها متأثر از زندگی انماط‌آپار است. روایتی است از سرگذشت زندگی آدم‌های بی‌ادعایی که در جامعه کنونی، از آلودگی می‌کنند و از حرف به عمل رسیده‌اند. در واقع دوربین برنامه تلویزیونی مستند «روایت شیدایی» روی زندگی افرادی زوم شده که نگاه آن‌ها به زندگی الهی است و با نیت و باوری حسینی در زندگی گام برمی‌دارند. همین تفاوت باعث موفقیت و آرامش روحی آن‌ها در زندگی شده است. این برنامه عشق به خوبی‌ها، جدال عشق و عقل با پادها و نیاید‌ها را به تصویر می‌کشد و از دریچه‌ای متفاوت به دین و نگرش دینی در زندگی فردی و اجتماعی می‌نگرد. نهبان درباره روشی که این برنامه برای ارائه رویکرد مورد نظرش برگزیده، می‌گوید: «این که چطور بعضی از افرادی که در اطراف ما هستند، به معنای واقعی

کلمه، حسینی زندگی می‌کنند، سخنی است که در برنامه‌ها از زبان خود افراد بیان می‌شود و مخاطب بی‌واسطه در جریان این روایت قرار می‌گیرد.» به گفته او «روایت شیدایی» گفتگو با چهره‌ها و یک کارشناس مذهبی (که درباره شخصیتی که مهمان برنامه در زندگی خود از او تأثیر گرفته، صحبت می‌کند) است.

مهمانان برنامه مستند «روایت شیدایی» از گروه‌های مختلف جامعه انتخاب شده‌اند؛ از محقق و معمار هنرمند طراح حرم انماط‌آپار گرفته تا نایب جوان، معلول جسمی و بقیه اقدار جامعه. یک چینی تازه مسلمان، حجت‌الاسلام عسگر آقایی (آخوند چینی)، دکتر حشمت‌اله قنبری کارشناس مسائل تاریخ اسلام، همسر شهید علی محمدی، محمد گلریز، مدیرعامل مهدیه تهران، حجت‌الاسلام حائری زاده، برخی از ورزشکاران



تیم‌های اعزامی به بازی‌های اینچئون و جمعی از نخبگان ایرانی از جمله مهمانان ویژه این برنامه خواهند بود. برنامه مستند ترکیبی «روایت شیدایی» کاری از گروه معارف شبکه یک سیماست که پخش آن از فردا شب (۱۷ آذر)، شروع می‌شود و طی ۱۵ شب تا ۲۷ دی به مدت ۲۰ دقیقه قبل از خبر ساعت ۱۹ شبکه یک روی آنتن می‌رود.



فرونش
ارس حائری

«سید محمود رضوی» طی یک دهه اخیر با تهیه فیلم‌های مطرح سینمایی و سریال‌های موفق تلویزیونی به عنوان یک تهیه‌کننده صاحب سلیقه شناخته شده است. «پرده نشین» همکاری تازه رضوی و بهروز شعبانی (پس از دهلیز) نیز مثل سایر کارهای این تهیه‌کننده جزو کارهای موفق تلویزیون در روزهای سیماست. سریالی که هنوز نیی از آن روی آنتن نرفته و بخش‌های مهم آن مانده است، اما توانسته جای خود را بین مخاطبان گسترده تلویزیونی باز کند. «پرده نشین» نام مجموعه پر بازگویی است که این روزها هر شب از شبکه یک پخش می‌شود و تا الان با استقبال مخاطبان مواجه بوده است. با محمود رضوی تهیه‌کننده این مجموعه که تا یکی دو ماه پیش سریال «معراجی‌ها» به تهیه‌کنندگی او از این شبکه یک پخش می‌شد، گفتگویی انجام دادیم.

شما قبلاً فیلم‌ها و سریال‌های موفق‌تری برای سینما و تلویزیون ساختید، سریال «پرده نشین» چقدر مکمل با آن کارهاست و هدفتان از ساخت این مجموعه چه بود؟

با این که این سریال در ادامه کارهای قبلی است، ولی خودش یک اثر مستقل است و مضمون متفاوتی دارد. از این جهت که در آن سعی شده که بیشتر به سبک زندگی ایرانی-اسلامی پرداخته شود. علاوه بر این، در این سریال به ابعاد معماری ایرانی-اسلامی هم در کنار درام اجتماعی کار اشاره شده است.

از همان ابتدا در فیلمنامه به همه این مسائل اشاره شده بود؟

متن این سریال تقریباً ۱۲ الی ۳ سال زودتر نوشته شد و از همان ابتدا همه این اتفاق‌ها در متن دیده می‌شد. مهم‌ترین مسئله‌ای هم که از ابتدا بر ایمان اهمیت داشت این بود که سریال به شکلی نباشد که مخاطب را اذیت کند و مفاهیم آن گل درشت باشد. جوی داشته باشد که هم پیام خودش را برساند، هم موقعیت بصری ایجاد کند تا مخاطب همراه با داستان آن جلو برود. بر چه اساسی سراغ موضوعات سریال و مطرح کردن آن‌ها رفتید؟

موضوعات مهمی در زندگی وجود دارد که متأسفانه در سال‌های اخیر مرتبه آن‌ها از ما دور کرده و حتی سبک زندگی، نوع منش و رفتار شخصی و معماریمان هم زیر سایه آن قرار گرفته است. بر همین اساس آنچه در سریال می‌بینید یادآوری مجددی جهت توجه به فرهنگ خودمان است.

علاوه بر مسائلی که به آن‌ها اشاره کردید، سراغ سوژه‌های حساسیت‌برانگیز رفتید که اتفاقاً یکی از سوژه‌های اصلی سریالتان است و در بطن آن اتفاق می‌افتد. با توجه به این که روحانیون هم مثل پزشکان و پرستاران از طبقه حساس جامعه به حساب می‌آیند، از پرداختن به آن‌ها نگرانی یا ابایی نداشتید؟

ما هیچ سوژه حساسیت‌برانگیزی و خط قرمزى به‌عنوان در تلویزیون و نه در سینما نداریم. اگر نوع و زاویه نگاه به موضوعات درست باشد حتی می‌توان یک سوژه خیلی معمولی را به موضوع بحرانی و بغرنجی تبدیل کرد. همچنین یک موضوع حساس با یک زاویه دید درست و منطقی به فیلم جذاب‌شده می‌شود. به همین منظور برای ساخت این سریال هم تکلیف ما از ابتدا با کار مشخص بود. به‌واسطه مشاوران خوبی که در پروژه داشتیم اصلاً به سمتی نرفتم که قصه‌مان نیاز به واکنش داشته باشد، اما بدون شک اگر نگاهمان نسبت به هر قشری از جامعه و دسته‌ای از انسان‌ها، نگاه خاصی باشد، آن‌ها قطعاً حق دارند که عکس‌العمل نشان بدهند. یعنی فرقی نمی‌کند آن‌ها در کدام طبقه از جامعه هستند و در چه جایگاهی قرار دارند و این مختص به روحانیت یا قشر مذهبی نیست. اگر ما بدانیم نگاهمان منطقی و عادلانه است و هیچکس با



سید محمود رضوی
تهیه‌کننده سریال در گفتگو با صبا:

نگران تبعات «پرده نشین» نبودیم

آن مشکل ندارد و فقط یک حرف در دست راست در یک قالب درست بیان کنیم، بالطبع جای هیچ نگرانی نیست و مشکلی پیش نمی‌آید. بنابراین ما کار خاصی انجام نداده‌ایم.

یعنی قصدتان این بود که به روحانیون هم مثل سایر آدم‌های عادی جامعه نگاه کنید؟

نه، چون هر کسی که در جامعه زندگی می‌کند، یک آدم است و بنا به تحصیلات و موقعیت اجتماعی، کنش‌ها و واکنش‌هایش نسبت به موضوعات، متفاوت می‌شود. به همین منظور ما یک شخص یا مجموع اشخاص را در سریال روایت می‌کنیم که این‌ها بر اساس تحصیلات، علم و دست‌یافته‌هایشان به مسائل معنوی، قشر خاصی در جامعه محسوب می‌شوند. این قشر صاحب احترام و موفقیتند. آن‌ها مثل سایر آدم‌های عادی‌اند؛ نه چون هر کسی دارای جایگاهی است و به‌عنوان یک پزشک و مهندس فوق تخصص در جامعه شناخته می‌شود، اما آدم‌های عادی نیست. آن‌ها آدم‌هایی هستند که بر اساس موقعیت‌های اجتماعی و علمی و فرهنگی‌شان، روش، کنش و زندگی خاص خودشان را دارند. از طرفی هم چون ما از مقابل به آن‌ها نگاه نمی‌کردیم، تکلیفمان کاملاً مشخص بود.



ما هیچ سوژه حساسیت‌برانگیزی و خط قرمزى در تلویزیون و سینما نداریم. اگر نوع و زاویه نگاه به موضوعات درست باشد حتی می‌توان یک سوژه خیلی معمولی را به موضوع بحرانی و بغرنجی تبدیل کرد

فضای سریال به گونه‌ای است که علاوه بر این که ما را یاد سریال‌های دهه هفتاد می‌اندازد و کاملاً ایرانی است، اما دکوپاژ بکرو و خلاقانه‌ای دارد که نوع خود جالب به نظر می‌رسد و به جذابیت قصه کمک می‌کند. این مسئله متأثر از فضای فیلمنامه است یا حضور بهروز شعبانی به عنوان کارگردانی که قبلاً به استعدادهایش در سینما به اثبات رسیده است؟

این سریال یک کار گروهی است که هر یک از بچه‌ها زحمت خودشان را کشیدند؛ از نویسندگان محققان گرفته تا گروه کارگردانی و بچه‌های تهیه و تولید و بازیگران، اما بدون شک تفاوت‌هایی هم در میزان زحمات هر یک از آن‌ها وجود دارد چون هر کدام از بچه‌ها زحمت خودشان را به بهترین نحو کشیدند تا سریال به یک کار آبرومندی تبدیل شود که هم در خور شأن مردم و روحانیون واقع باشد و هم صدای سینمای جمهوری اسلامی، اما به نظرم آقای شعبانی یک کارگردان خلاق و جوان و با حساسیت و دقت بالا است که بدون شک حضور او در کار باعث شده که سطح کیفی کار بالا برود.

بهروز شعبانی را بر اساس همکاری‌تان در فیلم «دهلیز»، برای کارگردانی سریالتان انتخاب کردید؟

آقای شعبانی بر اساس شناختی که نسبت به موضوع و تجربه‌ای که از بازی در نقش روحانی داشت انتخاب شد؛ یکی از علت‌ها هم به همکاری مشترک ما با او در فیلم «دهلیز» برمی‌گشت. با توجه به این که اولین کارگردانی بهروز شعبانی در عرصه ساخت سریال تلویزیونی بود، چقدر پارامترهای کارگردانی در تلویزیون را می‌شناخت و از نگاه شما چقدر از این بابت خوب عمل کرده است؟

قضاوت من نمی‌تواند در این زمینه، قضاوت کاملی باشد و باید مردم از نگاه مخاطبان سریال، نحوه کارگردانی ایشان را قضاوت کنند و به‌نوعی بگویند، ولی از نگاه من به‌عنوان تهیه‌کننده این سریال نمره آقای شعبانی سقف نمره یک کارگردان برای کارگردانی یک سریال اینچینی است. بازیگران این سریال بر چه اساسی انتخاب شدند؟ آن‌ها انتخاب‌های اولتان برای حضور در این مجموعه بودند؟

برای انتخاب بازیگران مشخصاتی داشتیم که بر اساس همان عمل می‌کردیم. اینگونه نبود که یک گزیننده خاصی را مد نظرمان قرار دهیم و بر اساس آن به مشخصات بازیگران برسیم. ما تعریفی داشتیم که بازیگر یک نقش باید چه مشخصاتی داشته باشد و بر اساس آن تعریف، به بازیگرها رسیدیم و آن‌ها را انتخاب کردیم که نتیجه کارشان هم رضای‌کننده بوده و با مردم ارتباط برقرار کرده است.

یادداشت

درباره سریال «جاده چالوس»

در پیچ و خم یک جاده



سیدرضا صالحی

احمد معظمی که تجربه کارگردانی بخش‌های زیادی از مجموعه «شاید برای شما اتفاق بیفتد» را در کارنامه خود دارد گویا به روایت قصه‌های ماجراجویانه و حادثه‌های علاقه‌مند است و اینک در «جاده چالوس» با همان نگرش به روایت قصه خود می‌پردازد که البته در عین این که قصه‌های اجتماعی-خانوادگی است رگه‌هایی از طنز را هم می‌توان در آن ردیابی کرد. روایت خانواده‌ای که در تهران زندگی می‌کنند و داستان از جایی شروع می‌شود که به همسر خانواده یک رستوران مترو که در جاده چالوس ارث می‌رسد. او به همراه وکیل خود به جاده چالوس می‌رود تا رستوران مترو که را که حدود ۴۰ سال است از رونق افتاده دوباره با همکاری خانواده‌اش احیا کند اما با وقایع و حوادثی مواجه می‌شوند که دستمایه روایت این قصه می‌شود.

واقعیت این است که «جاده چالوس» نه فقط یک قصه خانوادگی که قصه‌ای درباره اهمیت و جایگاه خانواده و توجه مخاطب به کارهای عاطفی-تربیتی آن است. در واقع کارگردان تلاش کرده تا در بستر این قصه به نوعی سبک زندگی ایرانی-اسلامی را به تصویر کشیده و در قالب یک الگوی بصری به مخاطب ارائه کند. اشاعه خرده فرهنگ‌های بومی، احیای ارزش‌های دینی، رشد و تقویت فرهنگ قناعت و ساده‌زیستی، کسب روزی حلال، آشنایی با آداب و رسوم فرهنگ‌های مختلف، تشویق جامعه به تشکیل و تقویت کانون گرم خانواده و ترغیب به ازدواج‌های آسان مطابق با فرهنگ ایرانی اسلامی، ترغیب مردم کلانشهرها به مهاجرت به شهرهای کوچک و در نهایت ساده‌زیستی از مواردی است که می‌توان به آن اشاره کرد. شاید یکی از امتیازات سریال فارغ از نکات ضعف و قوتش، تغییر لوکیشن و مکان قصه از تهران به شهرستان و پایتخت‌زدایی در سریال‌سازی است که کمک می‌کند تا سبک و سطح زندگی مردم در نقاط دیگر ایران نیز به تصویر کشیده شود.

«جاده چالوس» قصه یک خطی و کلی دارد که بیش از قوام یافتن عناصر نمایشی مثل قصه پردازی و بازیگری به ساماندهی پیام و مفاهیم خود تکیه می‌کند و این همان نقطه ضعفی است که بسیاری از مجموعه‌های تلویزیونی ما به آن دچار هستند بدین معنی که فرم را فدای محتوا و مضمون می‌کنند.

این در حالی است که بهترین مضامین نیز از طریق فرم و ساختار روایی جذاب به مخاطب منتقل شده و تأثیرگذاری با دوامی خواهد داشت. با این حال طراحی صحنه و استفاده از پتانسیل چالوس و محیط طبیعی شمال در قاب‌بندی‌ها و تصویربرداری است که به جذابیت بصری کار کمک می‌کند.

از این حیث این سریال را به نوعی می‌توان یک قصه جاده‌ای هم قلمداد کرد که تجربه سریال پایتخت‌نشان داد مخاطب با قصه‌های جاده‌ای ارتباط خوبی برقرار می‌کنند. ضمن این که این مجموعه همدلی و همبستگی بین اعضای خانواده را در حل مشکلات زندگی بر جسته کرده و نشان می‌دهد که چگونه می‌توان با همبستگی درونی و حفظ صیانت خانواده سسد محکم‌تری بر برابر مصائب و چالش‌های زندگی فراهم کرد. «جاده چالوس» تلاش برای بازگرداندن مخاطب به درون خانواده و بهره‌وری از کارکردهای عاطفی آن ارزش‌هایی است که در سبک زندگی ایرانی-اسلامی وجود داشته و دارد که امروزه کم‌رنگ شده و با راجع آگاهانه به آن‌ها می‌توان با امنیت بیشتری از پیچ و خم‌های خطرناک زندگی عبور کرد.

خطرات کافئین

سایمون در سرزمین نقاشی‌ها مریم فلاح: این کارتون این قدر خیال‌انگیز بود که قطعاً همه ما برای یک بار هم که شده آرزو کرده‌ایم مثل سایمون تخته سیاه و گچ داشتیم. پسرک آخر بچه‌های تر و تمیز و مودب بود. او را با شلوارک، بلوز آستین کوتاه و کراوات زده می‌دیدیم. چشمانش از پشت عینک بزرگش مثل نقطه دیده می‌شد. بعد از ظهرها در حصار پشت‌خانه‌شان روی تخته سیاه نقاشی می‌کشید و صبح فردای آن روز به سرافشان می‌رفت. نقاشی‌ها جان گرفته بودند و سایمون با موشک نقاشی سایمون را با او با سکانین سرزمین نقاشی‌ها بود. یادتان هست سایمون سرخ‌رنگ گرفته بود، در عالم مرضی وقتی به سرزمین نقاشی‌ها رفت دید که آنجا همه مردم حتی برنده‌ها، گل‌ها و ساختمان‌ها نقطه نقطه شده‌اند. سایمون تمام نقطه‌ها را به آسمان فرستاد تا ستاره شوند. این کارتون را با صدای دلنشین غلامعلی افشاریه می‌دیدیم.

پیشنهاد تلویزیونی

«چوبین» در شبکه پویا

کم نیستند انیمیشن و کارتون‌هایی که بچه‌های دهه شصت و قبل از آن با آن‌ها خاطره دارند. دهه شصتی‌ها احتمالاً مجموعه «چوبین» را به خاطر دارند. کارتون محبوب و طیف وسیعی از مخاطبان را پای جعبه جادویی می‌نشانند. در این مجموعه شخصیت اصلی چوبین نام داشت که در هر قسمت ماجراهای زیادی اتفاق می‌افتاد. او موجود فضایی عجیب و کوچک با دست و پای کوتاه و چشمانی بزرگ بود و چشمنش هم هیولایی خبیث و غول‌آسا با نام برونگا که با تیرهایش سیاره محل سکونت چوبین را اشغال کرده بود و مادرش هم اسیر او بود. چوبین به جنگ او می‌رفت و...

«چوبین» انیمیشنی ژاپنی است که در ۲۶ قسمت و در سال ۱۹۷۴ میلادی ساخته شد. شیگویی هایشی معروف به ریتنارو کارگردان این مجموعه بوده است.

«چوبین» محصول انیمیشن‌سازی ژاپن و داستان آن اثر سوتارو ایشینوموری نویسنده ژاپنی است. این مجموعه ترکیبی جالب از داستان‌های علمی-تخیلی و حکایات افسانه‌ای را در مضمونی ماجراجویانه به تصویر کشیده است. بعد از گذشت سال‌ها از پخش آن برنامه درخواست‌های بینندگان، باعث شد مجموعه انیمیشنی «چوبین» در شبکه پویا مجدداً از پخش شود. این مجموعه انیمیشنی هر روز از شبکه پویا پخش می‌شود و علاقه‌مندان می‌توانند ساعت ۱۸:۰۰ به تماشا این انیمیشن خاطر‌ها انگیز بپوشند.

پیشنهاد رادیویی

تازه‌ترین اخبار در «مجله علمی» رادیو ایران

توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در ایران و مسائل مختلفی که در این بساط به وجود می‌آید و روز به روز نیز در حال گسترش است، جای بحث و بررسی زیادی را برای برنامه‌سازان فراهم می‌کند. رادیو ایران نیز از شبکه‌های رادیویی کشور است که همیشه طیف وسیعی از مخاطبان را در نظر می‌گیرد و رویکرد برنامه‌هایش را بر این اساس پایه‌ریزی می‌کند. به همین منظور و در راستای آشناسازی بیشتر شنوندگان با مباحث روز اجتماع، برنامه «مجله علمی»، رادیو ایران با حضور کارشناسان مختلف در این حوزه‌ها، به بررسی این موضوعات می‌پردازند.

برنامه «مجله علمی» که از بخش‌ها و آیت‌های مختلف تشکیل شده است، در بخش دیگر خود، به دیگر موضوعات روز جامعه می‌پردازد و آن‌ها را از نگاه دیگر کارشناسان، مورد بررسی قرار می‌دهد.

«مجله علمی» که کاری از گروه دانش و اقتصاد رادیو ایران است؛ رویکردی اطلاع‌رسانی دارد و مخاطبان با شنیدن این برنامه در جریان تازه‌ترین اخبار حوزه‌های مختلف قرار می‌گیرند. علاقه‌مندان می‌توانند برنامه «مجله علمی» را که روز چهارشنبه ساعت ۳:۳۰ تا ۴:۰۰ اجرای «زهرارحمی» و تهیه‌کنندگی «الهام صدیق» بر روی موج افام ردیف ۹۰ مگاهرتز پخش می‌شود، بشنوند.